دو هفته نامه

پژوهش

علم اقتصاد و فراتر از آن

۱

پروژه نامه تحصیلی، صنف اقتصاد و مدیریت B2،
سال اول، سمستر دوم، هفته هفتم،
نویسنده و پژوهشگر:
یما حمید

یکشنبه ۱۳۹۴/۸/۲۴

تعلیم و تربیه در مراتب بالای خود هدفی والاتر از پژوهش ندارد.[1]

فهرست پروژه های این شماره:

- **مقدمه**
- **پژوهشی در پژوهش ملزومات پژوهش**
- **اقتصاد بازار - اقتصاد خرّد، اقتصاد کلان**
- **بحثی پیرامون توانایی و توانایی پرداخت ذکر شده در تعریف مالیات**

مقدمه

سلام، خوشحالم از اینکه بعنوان نویسندهٔ "پژوهش" یا بعبارتی دیگر این پروژه نامه تحصیلی در خدمت شما دوست عزیز قرار دارم.

من یما حمید، محصل سال اول، سمستر دوم فاکولته اقتصاد و مدیریت موسسه تحصیلات عالی خصوصی کهکشان شرق هستم.
از آنجائیکه برای یک محصل پژوهش امری ضروری و لازمی است. بر این اساس اقدام به تهیه این پروژه نامه تحصیلی نموده ام و نامش را هم پژوهش گذاشته ام. و برای تأکید بر امر پژوهش در بالای این صفحه نوشته ای از محترم زنده یاد دکتر امیرحسین آریان پور آورده ام:
آموزش و پرورش در مراتب بالای خود هدفی والاتر از پژوهش ندارد. من این جمله را از رسالهٔ پژوهش این استاد گرامی برگرفتم. رساله ای که خود بخشی از یک کتاب به نام آیین تحقیق به قلم استاد آریان پور می باشد.

در ابتدای سمستر اول، اشتیاق من بر این بود که "پژوهش" را در دو صفحه هر شب یک شماره اش را تهیه کنم و مانند روزنامه فردایش با خود به صنف ببرم و به همصنفی هایم توزیع نمایم. شش شماره در شش روز هفته، اما متأسفانه، این کار بدلیل مشکلات و گرفتاری های زندگی ممکن نگردید. و حاصل کار و فعالیت های پژوهشی سمستر اول من کتابی در حدود ۱۰۰ صفحه گردید. نام آنرا سمسترنامه **"علم اقتصاد و فراتر از آن"** گذاشتم و تصمیم گرفتم که در هر سمستر یک شماره از آن را به فاکولته ارائه نمایم. که مجموعا در هشت سمستر هشت کتاب و هر یک حاوی مجموعه پروژه ها و مقالات علمی و پژوهشی ام میباشد.
ولی یک مشکل وجود داشت و آن این بود که باید چند ماه انتظار کشید تا یک شماره سمسترنامه به فاکولته ارائه شود. از اینرو بر آن شدم تا بر علاوه سمسترنامه، این دو هفته نامه را نیز تهیه و به فاکولته ارائه نمایم. طبق برآوردی که من کردم، هر شماره "پژوهش" با فونت چهارده در حدود سی صفحه کتاب در قطع A5 میشود. که در هر سال ۷۲۰ صفحه میگردد. هشت کتاب حدودا صد صفحه ای در هر سال، که در ختم چهار سال فاکولته به تعداد ۳۲ جلد کتاب خواهم داشت.
این فوق العاده است!
جریان زمان و عمل نشان خواهد داد که تا چه حدودی به این هدف نائل خواهم آمد.

"پژوهش" در برگیرنده مطالب درسی صنف و نوشته های کوتاه آموزشی با استفاده از منابع مختلف و بعضا از خودم خواهد بود. امیدوارم که "پژوهش" برای من و شما مفید واقع گشته و سنگ بنای کارهای تحقیقاتی بزرگ در آینده تحصیلی و کاری من و شما شود.
انتقادات و پیشنهادات علمی شما باعث قوت "پژوهش" است. لطف تان را از من دریغ نفرمائید.

یما - چهاردهم عقرب ۱۳۹۴

پژوهشی در پژوهش - ملزومات پژوهش

پژوهش عملی است بمنظور رسیدن به حقیقت، و حقیقت، انطباق شناخت است بر واقعیت.

برای انجام صحیح کاری که قرار است به نحو احسن آنرا به انجام برسانیم ناچار باید مفاهیم، اصطلاحات و ملزومات آنرا بدرستی بدانیم و در مورد آنها هرچه عمیق تر و علمی تر معلومات داشته باشیم، اگر اینگونه عمل کنیم موفق تر خواهیم بود.
پژوهش، کاری که اینک مصمم به انجام آن هستیم. از آن دسته کارهایی است که به شدت نیازمند داشتن اطلاعات علمی روز میباشد. زیرا پژوهش عملی است بمنظور رسیدن به حقیقت، و "حقیقت انطباق شناخت است بر واقعیت".[2] و شناخت مستلزم روش هایی است که بر مبنای آزمایش و تجربه استوار می باشند.
در پژوهش، بطور کلی ما با دو پدیده روبرو هستیم. با واقعیت بیرونی و با واقعیت درونی. واقعیت بیرونی را به مدد علم می شناسیم و واقعیت درونی را به مدد هنر، و در اینجاست که علم و هنر به هم پیوند میخورند و از این پیوند، شناختی کلی و جامعی خلق میگردد که آنرا فلسفه می نامیم.[3] لذا برای کشف قوانین واقعیت بیرونی و قوانین واقعیت درونی نیاز به شناخت علمی، شناخت هنری و شناخت فلسفی داریم، پس علم و هنر و فلسفه از ملزوماتی هستند که اساس کار پژوهنده را تشکیل میدهند. و از آنجائیکه پژوهنده حقیقت یاب است باید از هر گونه خطاء مبرا باشد. و از اینروست که کار هر پژوهنده نیاز به نقد و بررسی و بازبینی دارد.

برای ادامه این بحث، در هر یک از شماره های بعدی این دو هفته نامه در باب شناخت پژوهش مطلبی خواهیم داشت.

یما - پانزدهم عقرب ۱۳۹۴

اقتصاد بازار – اقتصاد خُرد، اقتصاد کلان

اقتصاد بازار از دو بخش اساسی و عمده تشکیل شده است. در نظام بازار چون اقتصاد بر اساس اصل خصوصی سازی به پیش میرود ازینرو، اقتصادی بنام اقتصاد بنگاه و بازار شکل میگیرد که در اصطلاح اقتصادی به آن اقتصاد خُرد می گویند. اقتصاد خُرد مجموعه ای از ابزارها و راهکارهای اقتصادی را برای تحلیل و تسهیل فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی یعنی بنگاه ها و بازارها در جهت موفقیت صاحبان این سرمایه ها ارائه میکند.
در فرهنگ علوم اقتصادی دکتر منوچهر فرهنگ، در تعریف اصطلاح اقتصاد خُرد اینگونه آمده است:

"Microeconomics
اقتصاد خُرد
این اصطلاح برای توصیف بخشهایی از تحلیل اقتصادی بکار می رود که بیشتر دربارهٔ رفتار واحدهای انفرادی و به ویژه مصرف کنندگان و بنگاهها به بحث می پردازند."[۴]

مجموع بنگاه ها و بازارها در یک جغرافیای سیاسی و اقتصادی یک کُل را تشکیل میدهد که به آن اقتصاد کلان و یا بعبارتی دیگر اقتصاد ملی می گویند. باز هم به فرهنگ علوم اقتصادی دکتر منوچهر فرهنگ مراجعه میکنیم و در تعریف اقتصاد کلان میخوانیم که:

"Macroeconomics
اقتصاد کلان
تحلیل نوین اقتصادی که با داده های کلی مانند هزینهٔ کل، اشتغال کامل، درآمد کل، مصرف کل، سرمایه گذاری کل سروکار دارد و در مقابل اصطلاح اقتصاد خرد Microeconomics است.[۵]

در شماره های بعدی کوشش میکنم تا علم اقتصاد را از ابتدای دروس به بحث بگیرم، اما چون در سمستر دوم قرار داریم و درس ها پیش رفته است لذا در هر شماره بطور همزمان، به درس همان هفته هم می پردازم.
یما – هفدهم عقرب ۱۳۹۴

بحثی پیرامون توانایی و توانایی پرداخت ذکر شده در تعریف مالیات

نویسنده و پژوهشگر: یما حمید
۱۸ عقرب ۱۳۹۴

چکیده

یکی از شروطی که برای اخذ مالیات در تعریف مالیات آمده اینست که مالیات باید بر حسب توانایی پرداخت دریافت گردد. اما این عبارت "بر حسب توانایی پرداخت" چندان هم مد نظر گرفته نمی شود، زیرا در بسیاری موارد مالیات از کسانی اخذ میگردد که جزو طبقهٔ ناتوان جامعه بشمار می روند. افراد این طبقه کسانی هستند که در هر شرایطی، چه زمانی که کار فراوان باشد و چه اکنون که بیکاری به مسئلهٔ حادی تبدیل شده است، بیشتر و سخت تر کار میکنند، ولی برعکس حقوق کمی دریافت میدارند. حقوقی که اصلا مطابق با میزان کارشان نبوده و هرگز برای حداقل مخارج زندگی شان کافی نمیباشد.
در این مقاله ابتدا به مفهوم توانایی پرداخته ام و سپس توانایی پرداختِ مالیات را تعریف نمودم. هدف من از این پژوهش اثبات این مسئله است که در همه حال، مالیات بر حسب توانایی پرداخت اخذ نمیگردد بلکه بدون توجه به وضعیت افراد، مالیات از آنان گرفته میشود.

کلمات کلیدی

مالیات، توانایی، توانایی پرداخت، نیازهای زیستی، معیشت، هزینه های ملزوم.

مقدمه

دیروز یکشنبه، دو ساعت اول درسی را مضمون اقتصاد خُرد داشتیم و یک ساعت آخر را با تدریس استاد عبدالغفار نیک اندیش مضمون مبانی علم مالی را خواندیم.
در درس مبانی علم مالی استاد ابتدا از شاگردان تعریف مالیات را پرسان نمود. بعضی از شاگردان کم و بیش برای استاد جوابهائی دادند.
اما من روی یک بخش از تعریف مالیات انتقاد داشتم. بخشی که میگوید مالیات بر حسب توانایی پرداخت دریافت میگردد. سوال من اینجاست که اگر توانایی پرداختی وجود دارد، پس چرا صداهای ناراضی بسیاری در بین جامعه از اینطرف و آنطرف شنیده می شود؟
اگر چه در صنف صحبت کردم ولی این صحبت به لحاظ کمبود وقت به نتیجه ای نرسید. و روی همین منظور در این شماره حرف های خودم را می نویسم و توانایی پرداخت مالیات را به بررسی می گیرم.

تعریف مالیات و توانایی

تعریف مالیات به این شکل است:
"مالیات مبلغی است که دولت به موجب قانون به اجبار و بلاعوض

از اشخاص حقیقی و حقوقی بر حسب توانایی پرداخت آنها به منظور تأمین هزینه های عمومی و اجرای سیاست های مالی دریافت میکند."[6]

در تعریف مالیات عبارت **"بر حسب توانایی پرداخت"** آمده است. این عبارت مرا می خنداند. آیا واقعا مالیات بطور عموم بر حسب توانایی پرداخت از مردم گرفته می شود؟

در صورتیکه من خودم شاهدم که در موارد بسیاری این مالیات بر حسب توانایی پرداخت گرفته نمی شود چون بخش زیادی از مالیات گرفته شده، از مردم ناتوان که در واقعیت توانایی پرداخت ندارند اخذ میگردد.

برای جواب دادن به پرسشی که در فوق آمده است و برای تحلیل بیشتر این موضوع ابتدا باید تعریفی حقیقی از **توانایی** داشته باشیم. تعریفی که منطقی و صحیح باشد. شاید برای توانایی تعریف های زیادی شده باشد. اما تعریف حقیقی، یا منطقی و صحیح چگونه تعریفی است؟

برای اینکه این بحث به درازا نکشد بطور ساده میگویم تعریفی حقیقی و یا منطقی است که منطبق بر واقعیت باشد.

برای این منظور ابتدا به چند فرهنگ لغت فارسی و انگلیسی مراجعه کرده و می بینیم که در لغتنامه ها از توانایی چه تعریفی شده است و بعد بر اساس این تعاریف، تعریفی از عبارت توانایی پرداخت را ارائه میکنم. و آنگاه بر پایهٔ تعریف توانایی پرداخت، بحث خودم را ادامه میدهم تا به نتیجه درست برسیم.

به فرهنگ لغت نارسیس ویرایش ششم مراجعه کردم و این تعریف را در آن یافتم:

Your **ability** to do something is the quality or skill that makes it possible for you to do it.

ترجمه:

توانائی شما در انجام دادن چیزی ظرفیت یا مهارتی است که انجام آن را برایتان ممکن می سازد.[7]

به فرهنگ هوشیار نگاهی انداختم و این تعریف را دیدم:

Power or capacity to do or act physically, mentally, legally, morally, financially, etc.

ترجمه:

قدرت یا ظرفیت برای انجام دادن یا عمل کردن از نظر جسمی، فکری، قانونی، اخلاقی، مالی، و غیره.[8]

و در فرهنگ لغت عمید آمده است:

". . . توانا بودن، از عهده انجام دادن کاری برآمدن، . . ."[9]

و در فرهنگ لغت آکسفورد:

The power and Knowledge to do something

ترجمه:

قدرت و دانش برای انجام دادن چیزی.[10]

(ترجمه ها از من است)

اینها تعریف هایی از توانایی بود که از چند لغتنامه بعنوان نمونه برایتان آوردم. ولی آیا این تعاریف برای منظور ما کافی هستند؟

مسلما نه!

این تعاریف یک شرح کلی از توانایی را ارائه میدهند.

حالا باید تعریفی از **توانایی پرداخت** مالیات را ارائه کرد. تعریفی که بتواند شرحی حقیقی، یا منطقی و صحیحی از توانایی پرداخت مالیات برای ما بدهد. تعریفی که در برنامه ریزی ها، سنجش ها و محاسبات مالیاتی متضمن عدالت باشد و مراجع مربوطه را در اخذ عادلانه مالیات بصورت صحیح با در نظرداشت عدالت اجتماعی یاری کند.

تعریف من از توانایی پرداخت مالیات

در صفحهٔ دوم کتاب ساینس صنف چهارم مکتب میخوانیم: "موجودات زنده دارای خواص مشترک مانند: حرکت، تغذیه، تنفس، تکثر، و غیره میباشند."[11]

بر این اساس به این حقیقت پی می بریم که خصوصیت مشترک همهٔ موجودات زنده اینست که نیازهای زیستی دارند. و در این میان انسان، این موجود هوشمند ناطق خلاق که بصورت اجتماعی زندگی میکند بعلت زندگی اجتماعی که دارد علاوه بر نیازهای زیستی معیشتی، بر اساس معیار های جامعه ای که در آن زندگی میکند، نیازهای اجتماعی نیز دارد و برآوردن این نیازها هم هزینه هایی دارد که من از آنها تحت عنوان هزینه های ملزوم زندگی در ادامه این بحث یاد می کنم.

این موجود هوشمند ناطق خلاق، این انسان، اصطلاحی به نام امرار معاش دارد که علاوه بر آن هزینه های ملزوم زندگی را نیز باید در نظر گرفت. امرار معاش یعنی چه؟

امرار معاش یعنی گذراندن زندگی. انسان برای گذراندن زندگی اش نیاز به چیزهایی دارد که بوسیله آنها زندگی کند از خوردنی و آشامیدنی، آنطور که در فرهنگ لغت عمید آمده است به مجموع این چیزها معیشت گفته میشود.[12]

و اما هزینه های ملزوم زندگی را، چگونه می توان توضیح داد و بطور مشخص به چه هزینه هایی گفته میشود؟

در حقیقت، هزینه های ملزوم زندگی اصطلاحی است که من برای بیان مخارج ضروری زندگی غیر از خوردنی و آشامیدنی ساخته ام.

زیرا زندگی اجتماعی، خصوصا شکل متراکم و پیچیدهٔ آن که از آن به نام شهرنشینی یاد میکنیم، خود تحمیل کننده یک سری هزینه ها، غیر از خوردنی و آشامیدنی می باشد. هزینه هایی که مستقیما مربوط به نیازهای معیشتی نیستند بلکه همانطور که پیشتر گفتم از معیارها، روابط و مناسبات اجتماعی و محدودیت های زندگی اجتماعی درون جامعه مربوطه بوجود می آیند.

در زندگی های شهری، انسان شهرنشین درگیر یک سری محدودیت هایی است که از ذات و نفس زندگی شهری زاده میشوند. این محدودیت ها هزینه های ملزوم زندگی را بوجود میآورند. بعنوان نمونه، در زندگی

شهری تهیهٔ مواد سوختنی یک معضل میباشد. آب خریدنی است. داشتن و نداشتن برق از نظر نیاز و هزینه خودش یک مسئله است. آلودگی و بیماری های ناشی از آلودگی، استرس و بیماریهای ناشی از استرس، مسکن و هزینه های مسکن، مکتب و هزینه های مکتب، ارتباطات و هزینه های ارتباطات، حمل و نقل و هزینه های حمل و نقل، ازدواج و هزینه های ازدواج، توالد و تناسل و هزینه های توالد و تناسل و دیگر نیازها و هزینه های مربوط زندگی در محیط اجتماعی، در مجموع هزینه های ملزوم زندگی را میسازند که فرا تر از نیازهای معیشتی است و برای پیشبرد زندگی اجتماعی لازم و ضروری اند.

و در زندگی روستایی هم که دارای اجتماعات کوچک است، محیط اجتماعی دارای معیارهای، مناسبات و روابط اجتماعی و محدودیت های خاص خودش است. اما در کل، از پیچیدگی زندگی شهری در آن خبری نیست، ولی بدلیل فقر عمومی، وضعیت اسفبارتر از زندگی شهری است.

از این بحث چنین نتیجه میگیریم که انسان، این موجود هوشمند ناطق خلاق اجتماعی با معیشت زنده است و با هزینه های ملزوم زندگی، زندگی میکند. پس اگر معیشت نبود انسان زنده نیست و اگر هزینه های ملزوم زندگی برآورده نشوند زندگی نیست بلکه مرگِ تدریجی است. اگر معیشت باشد و هزینه های ملزوم زندگی برآورده شوند زندگی هست. اگر زندگی باشد توانایی هست، قدرت هست، ظرفیت هست، مهارت هست، دانش و بسیاری چیزهای دیگر هست. جامعه به پیش میرود و سیر تکاملی اش را می پیماید.

پس با معیشت و برآورده شدن هزینه های ملزوم زندگی است که زنده، زندگی میکند و با زندگی توانایی بدست می آورد.

زیرا اگر انسان خوراک نداشته باشد از کجا توانایی راه رفتن دارد؟ اگر انسان پوشاک نداشته باشد چگونه میتواند که از گزند سرما و گرما محفوظ بماند؟ اگر انسان مکتب نرود چگونه میتواند رشد فکری کند؟ اگر انسان پوهنتون نتواند برود چگونه میتواند رشد علمی نماید؟

لذا برآورده شدن نیازهای زیستی معیشتی و هزینه های ملزوم زندگی انسان، در اولویت قرار دارند.

با داشتن قدرت و امکاناتی اضافه تر از اینهاست که توانایی پرداخت مالیات مفهوم پیدا میکند. بنابراین من توانایی پرداخت مالیات را اینطور تعریف میکنم:

توانایی پرداخت مالیات عبارت از قدرت مالی است که بعد از اکمال نیازهای زیستی معیشتی و هزینه های ملزوم زندگی موجود باشد.

انسان محرومی که خرجش دو چند و یا سه چند درآمدش است. آیا توانایی پرداخت مالیات را دارد؟

یقیناً که نه!

اما از این انسان مالیات گرفته میشود و آنگاه در تعریف مالیات میگویند مالیات برحسب توانایی پرداخت. آیا این عبارت شما را به خنده نمی اندازد؟

من در محیطی که زندگی میکنم اطرافم را با دقت می بینم و در آن تفکر میکنم. جسمم در زمین و فکر و خیالم در آسمان نیست. من همصنفی ام را می بینم، من همسایه ام را می بینم، من دوستم و آشنایم را، من رهگذر خیابان را، من کودک کار را، من خودم را، تو را، و او را می بینم که چگونه به پول کرایه اش مانده است. که چگونه از سوء تغذی رنج میبرد. که چگونه مریض است اما به داکتر نمیتواند برود. من کسانی را می شناسم که پول تحصیل شان را دیگران میپردازند در صورتیکه تحصیل باید رایگان باشد. من دوستانی دارم که ماست و لبنیات برایشان حکم دوا را دارد اما از خوردنشان محروم هستند.

اینها همه، یا خودشان اگر سرپرست خانواده هستند و یا یکی دیگر از اعضای خانواده شان سرپرستی خانواده را بر عهده دارد. انواع و اقسام مالیات را از معیشت و هزینه های ملزوم زندگی شان می پردازند. مالیات بر درآمد، مالیات بر مصرف، و از همه مهمتر وجوه قابل ملاحظه ای از مالیات های غیرمستقیمی که در قیمتهای اجناس مصرفی شان پنهان شده است و غیره.

کارمند شریفی در ماه مبلغ ۹۰۰۰ افغانی حقوق دارد ولی اداره برایش مبلغ ۸۸۰۰ افغانی میپردازد، وقتی این کارمند دلیل کسر ۲۰۰ افغانی از معاش خودش را میپرسد مأمور پرداخت میگوید: "۲۰۰ افغانی را مالیات بر می دارند." شفافیت هم که وجود ندارد تا کارمند بیچاره بداند که آیا این ۲۰۰ افغانی تماما، براستی برای مالیات کسر میگردد؟

آنهم در سال یکی دو بار هر سه ماه یکبار، پرداخت حقوق صورت میگیرد.

کارمند شریف دیگری را میشناسم که این انسان با عزت برای تأمین حداقل هزینه های معیشتی زندگی خانواده اش، نه بیشتر، روزی ۱۴ ساعت کار میکند. حقوق دریافتی اش مبلغ ۷۰۰۰ افغانی است. وقتی از او می پرسم که آیا این ۷۰۰۰ هزار برای مخارج زندگی شان کافی است؟

در جواب من خنده ای میکند که هم شیرین است، هم دوستانه و هم تعجب خودش را از سوال من میرساند، سوالی که بیشتر کودکانه بنظر میرسد!

بعد یک **نـــهِ** طولانی میگوید. و اضافه میکند که هنوز معاش نگرفته مبلغ ۷۰۰۰ افغانی قرضدار شده است.

پرسان کردم که چگونه زندگی را به پیش می برد؟

میگوید که برادرانش به او کمک میکنند.

گفتم اگر برادران شما برای تان کمک نکنند با چه مبلغی قادر هستید که مخارج زندگی تان را

تأمین نمائید؟
میگوید با مبلغ ۱۰ و یا ۱۱ هزار افغانی تنها یک خرج بخور و نمیر را میتوان داشت. آنهم بشرطی که میوه نخوری، گوشت را یکبار در ماه بخوری و . . .

دیشب ساعت ۷ شب وقتی از فاکولته به خانه میرفتم به یک سه چرخه زرنج سوار شدم. با یکی از سواری ها سر صحبت را باز کردم. او میگفت: "گارد امنیتی است، هر ماه ۱۲۵۰۰ افغانی حقوق میگیرد. فعلا قرض هایش به یک و نیم لک افغانی (۱۵۰۰۰۰) افغانی رسیده است.

این به چه معنی است؟
به معنی اینست که حتی با ۱۲۵۰۰ افغانی در ماه، باز هم معیشت و هزینه های ملزوم یک زندگی بدرستی تأمین نمی شود.

هزاران نفر در این طبقه قرار دارند. هزاران نفری که حقوق آنها از ۵۰۰۰ افغانی شروع میشود. و همهٔ شان بار انواع مالیات را بر دوش می کشند. مثلا معلمین، قسمت اعظم مأمورین دولتی، نیروی انسانی شرکت های خصوصی و حتی موسسات را این انسانهای زحمتکش کم حقوق تشکیل میدهند.

نتیجه:

درآمد اشخاص تا آنجائیکه نیازمندی های معیشتی و هزینه های ملزوم زندگی آنان را تأمین نماید باید از مالیات معاف باشد.
نباید انتظار داشت؛ اشخاصی که درآمدشان بزحمت کفاف تأمین معاش آنها را میکند و بدتر از آن هر ماه بر قروض شان افزوده میشود و یا برای اینکه زیر بار قرض نروند از مصارف ضروری شان هی میکاهند تا جائیکه فقط زنده اند، به نام مالیات سهمی از مخارج اجتماع را بعهده گرفته و پرداخت کنند.

کجای این کار منطقی است؟
عدالت اجتماعی کجاست؟

کسانیکه توانائی تأمین حداقل مخارج زندگی خویش را ندارند و هر ماه برای تأمین کسری بودجهٔ مخارج زندگی شان، محتاج این و آن می شوند دولت بر پایهٔ کدام اساس منطقی از اینها مالیات میگیرد؟

وقتی صحبت از تأمین حداقل مخارج زندگی میکنیم منظور برآورده شدن نیازهای زیستی معیشتی به اضافه تأمین هزینه های ملزوم زندگی است، هزینه هایی که از معیارها و روابط و مناسبات، و محدودیت های جامعه ای که در آن زندگی میکنیم بر ما تحمیل می شوند؛ و به عبارتی دیگر، منظور از سطح معین زندگی عمومی مردم آن جامعه به تناسب ترقی و تمدن شان است.[۱۳]

به این صورت، اخذ مالیات بر حسب توانایی پرداخت، آنگونه که در تعریف مالیات آمده است در همه حال صورت نمی گیرد.
میان ثروتمندی که از بابت تأمین مخارج زندگی کوچکترین دغدغه ای ندارد با انسانی که پیوسته انتظار آخر ماه را میکشد تا با حقوق اندکی که میگیرد از خجالت طلبکاران بدر آید، آیا بنظر شما فرقی نیست؟!

در شماره های بعدی اگر فرصتی دست داد، تلاش خواهم کرد تا به پیامدهای این مسئله نیز بپردازم.

منابع این شماره:

۱. رساله پژوهش، نوشتهٔ دکتر امیر حسین آریان پور، بخش پیشگفتار، صفحهٔ اول
انتشارات چاوشان نوزایی کبیر، مرداد ۱۳۸۸
۲. رساله فوق، صفحه ۳
۳. در اینجا این بحث بصورت فشرده بیان شده است، از همین رو احتمالا دچار ضعف هایی در رساندن مفهوم حقیقی و کلی مطلب باشد. لذا برای مطالعه بیشتر در این مورد به کتاب زمینهٔ جامعه شناسی، تألیف آگ برن و نیم کوف، اقتباس دکتر امیر حسین آریان پور، تهران، نشر گستره، سال۱۳۸۰، مقدمه اول کتاب تحت عنوان "شناخت" و یا به صفحهٔ ۴۳ بخش انواع شناخت مراجعه بفرمائید.
۴. فرهنگ علوم اقتصادی دکتر منوچهر فرهنگ. انگلیسی - فارسی، چاپ نهم، ویرایش جدید، نشر آسیم، تهران ۱۳۸۴
۵. کتاب فوق (فرهنگ علوم اقتصادی).
۶. مبانی علم مالی فصل سوم، صفحهٔ ۲۸، تهیه و ترتیب: نقیب الله رسولی، بهار ۱۳۹۲
۷. فرهنگ لغت نارسیس ویرایش ششم
۸. فرهنگ هوشیار
۹. فرهنگ لغت عمید
۱۰. فرهنگ لغت انگلیسی به انگلیسی آکسفورد، ناشر فرهنگ ایران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۷
۱۱. کتاب ساینس صنف چهارم مکتب، صفحهٔ دوم
۱۲. فرهنگ لغت عمید
۱۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد به کتاب مالیه عمومی (مالیاتها و بودجه)، تألیف دکتر حسین پیرنیا، انتشارات کتابخانه ابن سینا، چاپ چهارم ۱۳۴۵ بخش قدرت پرداخت مالیات، سنگینی مالیات، صفحهٔ ۲۷۸ مراجعه بفرمائید.

موسسه تحصیلات عالی و انستیتوت علوم صحی کهکشان شرق

تحول در عرصه دانش و پژوهش

مؤسسه تحصیلات عالی و انستیتوت علوم صحی کهکشان شرق بر بنیاد ارزش های آکادمیک در زمستان ۱۳۹۱ هجری شمسی در شهر هرات افتتاح گردید تا چراغی فروزان بر فراز راه دانش آموزی در این خطهٔ علم پرور باشد. کهکشان شرق با اتکاء به بنیه های قوی و ارزشمند علمی، مأمنی مطمئن و پویا در عرصهٔ دانش و پژوهش خواهد بود. این دانشگاه بر آن است تا با عزمی راسخ، با درک عمیق و علمی از نیازهای آموزشی نسل فردا و با انتقال تجربه از دانشگاه های پر آوازهٔ بین المللی، گام های استوار را برای ایجاد فرصت های مناسب تحصیلی بردارد.

رشته های تحصیلی:

کهکشان شرق افتخار دارد تا با بهره مندی از اساتید توانا و برنامه های درسی مدرن، در رشته های زیر محصل بپذیرد:

موسسه تحصیلات عالی کهکشان شرق:

۱. حقوق و علوم سیاسی
۲. اقتصاد و مدیریت
۳. ژورنالیزم (خبرنگاری)
۴. زبان و ادبیات دری
۵. زبان و ادبیات انگلیسی

انستیتوت علوم صحی کهکشان شرق:

۱. نرسنگ عالی
۲. قابلگی عالی
۳. فارمسی (دواسازی)
۴. انستیزی
۵. تکنشین لابراتوار
۶. فیزیوتراپی

تماس با پوهنتون

۰۷۹۶۴۸۲۲۲۲

۰۷۹۶۴۹۲۲۲۲

Email: info@ksu.edu.af

Websites: www.ksu.edu.af

www.facebook.com/ksu.edu.af کهکشان شرق

تماس با پژوهش

Email: yamahamid@yahoo.com

Weblog: www.yamahamid.blogfa.com

Facebook: www.facebook.com/YamaHamid